



گفت‌وگو با فرناندو مارتین رئیس جدید رئال مادرید
.....
جنگ با یک سنت.
.....
مردی با یک دنیا خواستگار

۲۶



من هم مثل برانکو امیدوارم
.....
تاریخ به سود برق و راه آهن
.....
نامزدهای سقوط

۲۷



تعلیمد جنگ قهرمانی
.....
زندى و دزاگه در نبرد لاترن
.....
آزمَن، بلائکلیف

دقیقه صفر

کوه یخ در شیراز

پژمان راهبر

در حالی که ۲ هفته بیشتر به پایان لیگ برتر باقی نمانده، لحظات پرتلاهب و حساسی پیش روی تیم‌های ته‌جدولی قرار دارد. شهید قندی که قطعاً غزل خداحافظی را باید بخواند اما دو سه تیم دیگر مثل شمشوک، راه‌آهن و برق شیراز در خوف و رجا به سر می‌برند. در شیراز نارنجی‌های برق همچنان با دلهره سقوط شب را صبح می‌کنند و معلوم نیست که چقدر شانس برای بقا داشته باشند. درست در روزهایی که برق به حمایت همه‌جانبه هواداران قدیمی‌اش نیاز دارد، یک‌جور بی‌حوصلگی و دلزدگی فوتبال‌دوستان شیرازی را فرا گرفته است. عصر پنجشنبه در حالی که تماشای بازی برق شیراز و پاس برای عموم رایگان اعلام شده بود، ورزشگاه قدیمی حافظیه فقط ۶ هزار نفر را پذیرایی کرد. درست به موازات این بی‌انگیزگی، در بخش جلوس خبرنگاران در ورزشگاه نیز آثاری از بی‌علاقگی به انتشار اخبار برق به چشم می‌خورد. خبرنگاران بومی شیراز که پل ارتباطی اصلی بین مطبوعات حاضر در تهران و بازی‌های انجام شده در شیراز هستند این روزها یک خط در میان در جایگاه خبرنگاران ظاهر می‌شوند.

بازی پاس و برق یکی از مهم‌ترین بازی‌های این فصل در شیراز بود چون خبرنگاران تهرانی به شدت بازی پاس را زیر نظر داشتند، دیداری که در جریان کورس قهرمانی این فصل بین پاس و استقلال برجسته می‌شد. به هر حال هواداران برق به امید پیروزی در این دیدار و به دست آوردن حاشیه امنیت برای بقا به میدان رفتند اما ترکیب ابتدای بازی آب سردی بر پیکر آنها ریخت. در کمال تعجب زلاتکو ایوانکویچ، ستار زارخ را در خط حمله قرار داده بود و چیزی نگذشت که بسیاری از هواداران پیامد چنین اشتباهی را دیدند. پاس خیلی زود به گل رسید و تلاش برق برای برتری به جایی نرسید. ستار زارخ نه مهاجم کارآمدی بود و نه جانشین مناسبی در خط دفاع داشت بنابراین ستاره تنهای برق از کار افتاد و برق هم هرگز در اندازه‌های یک تیم جنگنده و با روحیه ظاهر نشد. آنها به جز یکی دوبار هیچ خطری روی دروازه پاس ایجاد نکردند تا در پایان بازی حرف‌های زلاتکو مصداق نتیجه بازی باشد. زلاتکو در کنفرانس خبری گفت: «انتظار پیروزی پاس را با توجه به شرایط جدول داشتیم.» این جمله از آن جهت دردناک به نظر می‌آید که ظاهراً سرمربی برق تیمش

را از پیش باخته فرض کرده و احتمالاً سعی نکرده که روحیه و انگیزه آنها را بالا ببرد. نکته‌ای که در طول فصل هم به دفعات رخ داده بود. این روزها بزرگترین ایرادی که از زلاتکو از سوی هواداران و کارشناسان شیرازی گرفته می‌شود همین موضوع است که او هیچ گاه رگ جنگندگی و مبارزه‌جویانه برق را تحریک نکرده و اساساً در برقراری ارتباط با بازیکنان تاکام مانده است. تماشاگران در هر بازی قامت مردی را می‌بینند که دست به سینه و ساکت کنار زمین ایستاده و بی‌احساس مثل کوه یخ، تنها بازی را نظاره می‌کند. تماشاگران شیرازی گاهی اوقات به شوخی می‌گویند زلاتکو مشغول تماشای فیلم سینمایی است! علاوه بر این در جریان بازی هم کمتر نشانه‌ای از نبوغ یا ذکاوت زلاتکو به چشم می‌خورد و اصولاً تغییر در روند تاکتیکی تیم و انعطاف در برابر اتفاقات مثبت یا منفی بازی کمتر به چشم می‌خورد. با این حال بعضی از کارشناسان بیش از آنکه زلاتکو را مسئول این وضعیت بدانند، مدیریت باشگاه را مقصر می‌پندارند.

از دید این گروه خلیل صالحی متهم ردیف اول ناکارآمدی تیم برق در زمین است. مدیری که قبلاً بازیکن بوده و چندصباحی به‌عنوان مربی هم فعالیت کرده است و گاه و بی‌گاه سعی دارد در مسائل فنی اوقات به‌شوخی شاهد این مدعا هم اظهارات صالحی است که هرگاه تیم خوب نتیجه گرفته، آن را به خود نسبت داده و هر وقت ته کار ایرادی داشته آن را به گردن کادر فنی انداخته است. برق در سه سال اخیر ۴ مربی داشته است که احتمالاً به زودی این تعداد به ۵ نفر خواهد رسید. داستان محمداحمدزاده و خلیل صالحی را که همه می‌دانند، عباس سیمکانی هم که چند هفته‌ای بیشتر دوام نیاورد و محمود باوری هم ظاهراً به این دلیل شیراز را ترک کرد که اجازه دخالت به مدیرعامل را نداد. اما آوردن زلاتکو هم یک تیر و چند نشان بود. او به هر حال نشان «مربی خارجی» را یدک می‌کشید و دهان خیلی‌ها را می‌بست. آمدن او به معنای حفظ ستار زارخ در شیراز بود و یک سهمیه برق در تیم ملی هم به حساب می‌کرد. این چنین بود که زلاتکو مربی پیشین جوانان یک کارخانه شکلات‌سازی هدایت برطرف‌دازترین تیم شیراز را به عهده گرفت. حالا هم که اوضاع نابسامان و زرجوار است باقی ماندن این کار گذاشتن زلاتکو مدام به نظر هیات‌مدیره نسبت داده می‌شود و از آن اتوریته مدیرعامل خبری نیست. این در شرایطی است که زلاتکو اصلاً در بین هواداران محبوب نیست و حتی بازیکنان تیم هم چندان ارتباطی با او برقرار نمی‌کنند. او مثل سایه در تمرینات حاضر است و بودن یا نبودنش چندان فرفنی نمی‌کند. فعلاً قرار است حرمت مربی حفظ شود وگرنه بعید نبود تا به حال چندین بار شعارهایی علیه او در ورزشگاه داده شود. با این اوصاف کارشناسان شیرازی به بقای برق در لیگ امید زیادی دارند. آنها معتقدند که شیرازی‌ها در شرایط بحرانی همیشه بیش از صد درصد ظاهر می‌شوند و در هفته آخر صیابتری را خواهند برد. اتفاقی که قطعاً در صورت تحقق یافتن به پای زلاتکو نوشته نخواهد شد. حالا چند وقتی است که برانکو هم چندان به حمایت برادرش حرف نمی‌زند. شاید او هم به این نتیجه رسیده که بهتر بود در عالم برادری قسمتی از مبلغ قراردادش با تیم ملی را به زلاتکو می‌داد تا آبروی خودش هم در خطر نیفتد.



دروازه‌بانان فوتبال در حال بازی در ورزشگاه فولاد مبارکه اصفهان در جریان بازی فوتبال فولاد مبارکه اصفهان در مقابل تیم فوتبال پرسپولیس در روز شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۸۵

خبر آخر

میدلزبورو، شالکه، سویا و استوابخارست در مرحله نیمه‌نهایی جام یوفا

مرحله یک چهارم نهایی جام یوفا پنجشنبه شب با انجام چهار بازی به پایان رسید و تیم‌های استوابخارست، سویا، شالکه و میدلزبورو به مرحله نیمه‌نهایی این رقابت‌ها راه یافتند. استوابخارست که پنجشنبه شب در خانه خود میزبان رایلد بخارست دیگر تیم رومانیایی بود و در نهایت به تساوی بدون گل دست یافت تا با توجه به کسب تساوی یک بر یک در بازی رفت با استفاده از قانون گل زده در خانه حریف راهی مرحله نیمه‌نهایی شود. سویا نماینده رقت در اسپانیا موفق شده بود چهار بر یک زنیّت را شکست دهد. این تیم در بازی برگشت به تساوی یک بر یک مقابل حریف روسی خود دست یافت تا در مجموع با نتیجه پنج بر دو به مرحله نیمه‌نهایی جام یوفا راه یابد. سویا در مرحله نیمه‌نهایی به مصاف شالکه خواهد رفت. شالکه نماینده آلمان در این جام نیز با کسب تساوی یک بر یک برابر فنسکی صوفیا به جمع چهار تیم پایانی جام یوفا پیوست. شالکه که در سال ۹۷ قهرمان جام یوفا شده است در بازی رفت در بلغارستان حریف خود را سه بر یک شکست داده بود تا پنجشنبه شب در گلزن کرشن کار راحتی پیش‌رو داشته باشد. صعود سه تیم استوابخارست، شالکه و سویا به مرحله نیمه‌نهایی قابل پیش بینی بود اما نتیجه جالب در میدلزبورو رقم خورد. میدلزبورو که در بازی رفت مقابل بایرل در سوئیس دو بر صفر شکست خورده بود با هدف جبران آن شکست پا به میدان گذاشت. اما این تیم بازل بود که در دقیقه بیست و سوم توسط ادواردو به گل رسید. کار میدلزبورو تمام شده به نظر می‌رسید. این تیم انگلیسی در صورتی می‌توانست صعود کند که چهار گل به بازل بزند. اما این اتفاق افتاد. مارک ویلکا در دقیقه سی و سوم گل تساوی را زد تا نیمه اول با تساوی یک بر یک به پایان برسد. ویلکا در دقیقه پنجاه و هفتم گل دوم را به ثمر رساند. جیمی فلوید هاسلبنک نیز در دقیقه هفتادونهم نتیجه را سه بر یک کرد. میدلزبورو با این نتیجه نیز نمی‌توانست صعود کند و نیاز به یک گل دیگر داشت. ماسیمو ماکارونه بازیکن ایتالیایی میدلزبورو در آخرین دقیقه بازی گل چهارم و نجات بخش میدلزبورو را به ثمر رساند تا یکی از بزرگترین بازگشت‌های یک تیم پازنده رقم بخورد. میدلزبورو در مرحله نیمه نهایی با استوابخارست بازی خواهد کرد.

اسپانسر جدید در جزیره

پرسپولیس‌ها که تقریباً یکی دو سالی می‌شود عادت کرده‌اند در طول فصل با یک حامی مالی ثابت در لیگ به میدان نروند، برای بازی یکشنبه در کیش جلوی استقلال اهواز با تبلیغ چوردانو بازی خواهند کرد. و این در شرایطی است که پس از حضور یک چهره متنفذ در روابط اقتصادی باشگاه که نتیجه مستقیم آن عقد قرارداد با هتل داریوش کیش بود، به نظر می‌رسید اسپانسر پرسپولیس حداقل تا آخر فصل تغییر نکند.

آن روزها که میروسلو بلاژویچ پروژه‌ای را برای رسیدن ایران به جام جهانی تعریف کرده بود و در برنامه هایش پرویز برومند را به عنوان دروازه‌بان اول تیم ملی ایران می‌دانست، کمتر کسی فکرش را می‌کرد چند ماه بعد یک دروازه‌بان غریبه پیراهن شماره یک تیم ملی را ببوشد. آن روز که چپروی کبیر می‌گفت: «برومند دروازه‌بان تیم من است» آدم‌هایی که این حرف سرمربی تیم را جدی نمی‌گرفتند، فقط و فقط روی یک نفر دیگر نظر داشتند و آن داود فنایی دروازه‌بان پرسپولیس اردوی تیم ملی بود. اما یکی، دو ماه مانده به شروع بازی‌های مقدماتی جام جهانی آنچه از دل اردوی تیم ملی بیرون آمد شکفت انگیز بود: «ابراهیم میرزاپور دروازه‌بان اول تیم شده است.» ابراهیم میرزاپور البته با جو تیم ملی ناآشنا نبود، چرا که در دوره جلال طالبی هم چندی به تیم ملی دعوت شده بود، اما او تا آن روز حتی تجربه یک بازی ملی را هم نداشت. با این همه بلاژویچ به مربی دروازه‌بانانش فخرالدین داود بگوویچ اعتماد کرد و دروازه‌بان ۲۳ ساله باشگاه فولاد خوزستان را به عنوان مرد شماره یک تیم ملی معرفی کرد. میرزاپور در مقایسه با برومند چالاک‌تر، سریع‌تر و آماده‌تر بود و در مقایسه با داود فنایی فیزیک بدنی مناسب‌تر و مایه‌های دروازه‌بانی بیشتری داشت. تنها مشکل او تجربه نداشتنه‌ای بود که سبب تحقیرش می‌شد. برای همین هم بود که چند روز مانده به دیدار تیم ملی مقابل عربستان به ناصر حجازی تلفن کرد تا از تجربه‌های دروازه‌بان بزرگ سال‌های دور فوتبال ایران بهره بگیرد. او در همان دیدار مقابل عربستان نشان داد که دروازه‌بان خوبی است و می‌تواند سال‌ها از دروازه تیم ملی حفاظت کند، به ویژه اینکه او در آن بازی حساس گلی هم نخورد. در بازی مقابل تایلند هم با دو سه واکنش خوب تیم ملی را از شکست نجات داد. تازه بعد از آن دیدار بود که مردم ایران او را باور کردند. این هم از باورهای غلط مردم ایران می‌آمد. تا قبل از آمدن میرزاپور می‌گفتند دروازه‌بان تیم ملی فقط باید از استقلال و پرسپولیس بیاید، چرا که دروازه‌بان فقط در این دو باشگاه است که مزه بازی‌های بزرگ را می‌چشد، اما چپرو مثل خیلی از باورهای غلط دیگر این باور را هم شکست. بدین ترتیب میرزاپور دروازه‌بان شماره یک تیم ملی شد، دروازه‌بانی خوش قلدوقامت، با دستانی کشیده، چالاک، شجاع و سریع. او البته ضعف‌هایی هم داشت که یکی‌اش در دیدار ایران مقابل عراق دیده شد: بازی با پا. وضعی که امروز پس از سال‌ها هنوز او را به یک دروازه‌بان نه‌چندان مطمئن بدل می‌کند. (مثلاً در همین بازی فولاد و استقلال، میرزاپور چند بار در شروع مجدداً به بد عمل کرد و فرصت ضدحمله را به حریف داد.) با این حال میرزاپور در تیم ملی اشتباه فاحشی نداشت، چه در دوره بلاژویچ و چه در دوره‌های بعد. اینگونه که به تیم ملی آمد و ماند.

۳۳

در تمام این سال‌ها ابراهیم میرزاپور روزهای سختی را سپری کرده است. باید هوادار باشی تا بدانی چقدر

نمایش انتقادآمیز در آزادی دغدغه شماره یک

برایت مهم است که دروازه‌بان تیم ملی دروازه‌بان باشگاهت باشد. برای دوستداران استقلال و پرسپولیس هم قضیه فرقی نمی‌کند. خیلی برایشان فرقی نمی‌کند که مدافع آخر راست و چپ و هافبک‌های تیم ملی چه کسانی هستند، برایشان این مهم است چه کسی گل نمی‌خورد و چه کسی گل می‌زند، دروازه‌بان و فوروارد. تا آن روز که میرزاپور به تیم ملی نیامده بود، دروازه‌بان تیم ملی فقط از طرف یک عده از تماشاگران ناسزا می‌شنید، اما از آن روز به بعد ابراهیم میرزاپور از دو طرف حرف‌های زشتی می‌شنید، چه در بازی‌های ملی و چه در بازی‌های باشگاهی و این تمرکز را از او می‌گرفت. چنین بود که ابراهیم میرزاپور بیش از هر بازیکن دیگری تنهایی را تجربه کرد.

۳۴

مدتی است که میرزاپور در بازی‌های باشگاهی‌اش مثل بازی‌های ملی‌اش صلابت ندارد و به راحتی می‌شکنند (به همین بازی استقلال و فولاد بنگرید که چطور روی سانتر نیکبخت اشتباه کرد) اما کبست که نداند او یکی از عوامل قهرمانی فولاد در فصل گذشته بود، به‌ویژه در بازی‌های بزرگ و حساس این تیم بسیار خوب عمل کرد. یکی از این دیدارها، که ما خوب به یاد داریم، دیدار مقابل پرسپولیس در تهران بود، جایی که او باید با محمد محمدی دروازه‌بان آماده آن روزهای سرخ‌های تهران رقابت می‌کرد. بازی را فولاد با دو گل ایمان مبعلی و میثم سلیمانی برد، در شرایطی که ابراهیم میرزاپور ستاره فولاد بود که با آن دستان کشیده‌اش بازی فوق‌العاده‌ای را به تصویر کشید. آن روز علی پروین بیش از همه حسرت می‌خورد چرا که پیش از شروع فصل نتوانسته بود میرزاپور را به خدمت بگیرد. مدیر فنی پرسپولیس پیش از شروع همان بازی به اطرافیانش گفته بود: «ماشاءالله می‌بینی چه قد و بالایی دارد.» همین فیزیک بدنی مناسب بود که دل خیلی از مربیان را ربود و پیشینهادهای نجومی را روانه باشگاه فولاد کرد. تابستان گذشته، این خبر شنیده شد که صیابتری با یک پیشنهاد پانصد میلیونی خواهان به خدمت گرفتن دروازه‌بان اول تیم ملی ایران است، اما فولاد شرکت در لیگ قهرمانان آسیا را بهانه کرد و میرزاپور را نفروخت. میرزاپور هم نرفت، شاید نمی‌دانست که فصل بعد شخصیت ضعیف فولاد، او را هم زیر ستوال می‌برد.

۳۵

فولاد خوزستان در این فصل خیلی گل خورده، اقتدر که نه فقط میرزاپور که مدافعان ملی پوش این تیم هم زیر ستوال رفته‌اند، اما کمتر کسی است که پس از دیدن شکست‌های سنگین فولاد این سوال را از اطرافیانش نپرسد: «میرزاپور چه‌اش شده.» در همین دیدار پنجشنبه فولاد و استقلال دیدیم که

ابراهیم چه اشتباه وحشتناکی را مرتکب شد. روی گل اول مقصر اصلی بود و گل دوم را از سی و پنج متری خورد. گل چهارم را هم که دیدید: ایستاد و تماشا کرد که عنایتی چگونه با یک بغل پا گوشه دروازه‌اش را نشانه می‌رود. گرچه فولاد در این فصل تیم بی‌شخصیتی بوده، اما اگر شخصیت بازیکنان را جزء مهم شخصیت یک تیم بدانیم، همین اشتباهات بزرگ بوده که شخصیت را از تیم فولاد گرفته است، نه فقط از طرف میرزاپور، بلکه از طرف سایر بازیکنان این تیم.

۳۶

البته بازیکنان بزرگ خودشان یک‌تنه تیم را رهبری می‌کنند و شخصیت تیم را حفظ می‌کنند. اما در مورد میرزاپور چنین نیست. این همان نکته‌ای است که میرزاپور را از ناصر حجازی و احمدرضا عابدزاده دو دروازه‌بان بزرگ تاریخ فوتبال ایران جدا می‌کند و او را به صف دروازه‌بانانی اضافه می‌کند که آمده‌اند و رفته‌اند و فقط یادی، خاطره‌ای کوچک از آنها در ذهن مانده است. ابراهیم گرچه یکی از سه دروازه‌بان تاریخ فوتبال ایران است که ایران را به جام جهانی رسانده، اما این نمایش‌های ضعیف سبب می‌شود که خیلی‌ها بگویند: «هرچه هست از تیم ملی است. هرکه باشد همین می‌شود.» منتقدان بی‌شمار میرزاپور می‌گویند دروازه‌بانی که طی چهار سال نتوانده ضعفش را در بازی با با برطرف کند نه فقط شایستگی پوشیدن پیراهن تیم ملی را ندارد که سرمایه‌گذاری رویش هم کاری بیهوده است که فرصت را از جوانان می‌گیرد. با این همه کیست که نداند ابراهیم با این فقر دروازه‌بانی فوتبال ایران شایسته‌ترین مرد برای پوشیدن پیراهن تیم ملی است.

۳۷

اما چه می‌شود که میرزاپور متفاوت از همه بازیکنان تیم ملی این قدر از طرف تماشاگران توهین می‌شوند؟ خیلی‌ها رفتارهای غلط او را دلیل این توهین‌ها می‌دانند. اینها می‌گویند که او پس از هر اشتباهی می‌کند خودش را زمین می‌اندازد و پایش را، کمرش را دستش را می‌گیرد، که مثلاً یک چیزی‌اش بوده که این اشتباه را مرتکب شده. این اتفاق وقتی تکرار شد چهره میرزاپور را هم خراب کرد.

همین عده اضافه می‌کنند که میرزاپور بیش از حد می‌خواهد خودش را به عنوان یک بازیکن مظلوم شهرستانی جا بزند، در حالی که او لاقال در اردوی تیم ملی چند بازیکن را همواره در کنارش داشته که از او حمایت کرده‌اند، بازیکنانی مثل یحیی گل محمدی، حسین کعبی، جلال کاملی، سیدمحمد علوی و حتی علی دایی.

۳۸

اینک برانکو ایوانکوویچ با تماشای نمایش‌های

دروازه‌بانان فوتبال در حال بازی